



Iran's Legislative Criminal Policy on the Protection of Industrial Property in light of the Industrial Property Protection Act 2024 and TRIPS

Mohamad Setayeshpur¹  , Mohaddeseh Barzaegarsaray² 

1. Associate Professor, Department of International Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Islamic Republic of Iran (Corresponding Author), Email: mohamadsetayeshpur@yahoo.com

2. PhD Candidate in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Islamic Azad University of Qom, Qom, Islamic Republic of Iran, Email: brzgrm309@gmail.com

Abstract

Received:
30/08/2025
Revised:
10/11/2025
Accepted:
30/11/2025
Published online:
27/12/2025

The expansion of the knowledge-based economy and the importance of intangible assets in economic competition have increased the need to reassess the mechanisms of criminal protection for industrial property. The enactment of the 2024 Industrial Property Protection Act introduced a new framework for criminal intervention in this field, thereby requiring evaluation from the perspective of criminal policy. This study examines Iran's legislation for the protection of industrial property in light of the 2024 Act and the obligations arising from international trade law. The research adopts a descriptive-analytical approach and is grounded in documentary and library-based methods. To achieve this, domestic legislation, international instruments, judicial materials, and leading academic sources were reviewed, and analyzed through legal and comparative methods. Our findings prove that the 2024 Act, by extending protection to areas such as trade secrets and unfair competition, and by introducing corporate criminal liability takes a meaningful step toward strengthening the system of criminal protection. At the same time, the lack of a clear definition of "commercial scale," the wide reach of criminalization, and the continued possibility of imposing imprisonment in certain cases have created conditions that risk expanding penal intervention beyond what is proportionate. The results corroborate that Iran's legislative criminal policy in the field of industrial property is still inconsistent with principles of necessity, proportionality, and minimum criminal intervention. Also, it is essential to redefine the criteria for criminal intervention, limit the use of imprisonment, strengthen civil and administrative enforcement mechanisms, and establish specialized institutions capable of managing the complexities of industrial property protection.

Key Words: Criminal policy, industrial property, criminal enforcement, Industrial Property Protection Act of 2024, intellectual property enforcement.

رتال جامع علوم انسانی

How To Cite: Setayeshpur, M. & Barzaegarsaray, M (2025). Revisiting Iran's Legislative Criminal Policy on the Protection of Industrial Property in Light of the 2024 Industrial Property Protection Act and the TRIPS Agreement, *Insights of Intellectual Property Law in Islamic Countries*, 1(4), 60-71. <http://www.doi.org/10.22091/diplic.2025.14759.1037>.





سیاست جنایی تقنینی ایران در حمایت کیفری از مالکیت صنعتی

در پرتو قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳ و تریس

محمد ستایش پور^۱، محدثه برزگر سرای^۲

۱. دانشیار گروه حقوق بین الملل دانشکده حقوق دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)، رایانامه: mohamadsetayeshpur@yahoo.com
۲. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی قم، قم، ایران، رایانامه: brzgrm309@gmail.com

چکیده

گسترش اقتصاد دانش‌بنیان و افزایش نقش دارایی‌های نامشهود در رقابت اقتصادی، ضرورت بازنگری در سازوکارهای حمایت کیفری از مالکیت صنعتی را افزایش داده است. تصویب قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳، به‌عنوان جایگزین قانون ۱۳۸۶، چارچوب جدیدی برای مداخله کیفری در این حوزه ایجاد کرد که ارزیابی کارآمدی آن از منظر سیاست جنایی ضروری به نظر می‌رسد. پژوهش حاضر با هدف تحلیل و ارزیابی سیاست جنایی تقنینی ایران در حمایت کیفری از مالکیت صنعتی در پرتو قانون ۱۴۰۳ و الزامات حقوق بین‌الملل تجارت انجام شد. این مطالعه با رویکرد توصیفی تحلیلی و با بهره‌گیری از روش اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شد. داده‌ها از طریق بررسی قوانین داخلی، اسناد بین‌المللی، آرای حقوقی و آثار علمی معتبر گردآوری و با روش تحلیل حقوقی و تطبیقی مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد که قانون ۱۴۰۳ با توسعه دامنه حمایت به حوزه‌هایی مانند اسرار تجاری و رقابت غیرمنصفانه و پیش‌بینی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، گامی مؤثر در جهت انسجام‌بخشی به نظام حمایت کیفری برداشت. با این حال، فقدان تعریف عینی از مفهوم مقیاس تجاری، گستردگی قلمرو جرم‌نگاری و امکان اعمال حبس در برخی مصداق، زمینه بروز نوعی کیفرگرایی نامتوازن را فراهم ساخت. نتایج مطالعه بیانگر آن بود که سیاست جنایی تقنینی ایران در حوزه مالکیت صنعتی، علی‌رغم پیشرفت‌های تقنینی، هنوز با اصول ضرورت، تناسب و حداقل‌گرایی کیفری فاصله دارد. بر این اساس، بازطراحی معیارهای مداخله کیفری، محدودسازی اعمال حبس، تقویت سازوکارهای مدنی و اداری و توسعه نهادهای تخصصی، برای ارتقای کارآمدی این نظام ضروری تشخیص داده شد.

کلیدواژگان: سیاست جنایی تقنینی، مالکیت صنعتی، حمایت کیفری، قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳، اجرای حقوق مالکیت فکری.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۶/۰۸

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۴/۰۸/۱۹

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۹/۰۹

تاریخ انتشار

برخط:

۱۴۰۴/۱۰/۰۶

استناد: ستایش پور، محمد و برزگر سرای، محدثه (۱۴۰۴). بازخوانی سیاست جنایی تقنینی ایران در حمایت کیفری از مالکیت صنعتی در پرتو قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳ و موافقت‌نامه TRIPS، *آموزه‌های حقوق مالکیت فکری کشورهای اسلامی*، ۱(۴)، ۷۱-۶۰.

<http://www.doi.org/10.22091/diplic.2025.14759.1037>



نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: دانشگاه قم © نویسندگان

مقدمه

تحول ساختار اقتصاد جهانی و حرکت به سوی اقتصاد دانش‌بنیان، موجب شده است دارایی‌های نامشهود - نظیر اختراعات، طرح‌های صنعتی، علائم و نام‌های تجاری، نشانه‌های جغرافیایی و اسرار تجاری - به عناصر اصلی تولید ثروت و مزیت رقابتی بدل شوند (Correa, World Intellectual Property Organization, 2018). OECD, 2019؛ 2021). نقض حقوق مربوط به این دارایی‌ها صرفاً تعارضی خصوصی میان دارنده حق و ناقض نیست، بلکه به صورت بالقوه بر ثبات بازار، سلامت مصرف‌کننده، انگیزه‌های نوآوری و عدالت رقابتی اثر می‌گذارد (Reichman, 1997؛ Harms, 2012). در ایران نیز همانند سایر کشورها، توجه به ابعاد کیفی مالکیت صنعتی در دهه‌های اخیر افزایش یافته و در چارچوب سیاست جنایی تقنینی مورد تحلیل قرار گرفته است (حاجی‌ده‌آبادی و عالمی طامه، ۱۳۸۸؛ غریبی و همکاران، ۱۴۰۱؛ موسوی، ۱۴۰۰).

با تصویب قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری ۱۳۸۶، برای نخستین بار نظامی نسبتاً منسجم برای ثبت، حمایت و واکنش به نقض حقوق مالکیت صنعتی در ایران ایجاد شد. ماده ۶۱ این قانون، نقض عمدی حقوق ناشی از ثبت را با ترکیبی از حبس و جزای نقدی قابل مجازات دانست (قانون ۱۳۸۶، ماده ۶۱). با وجود اهمیت این تحول، قانون ۱۳۸۶ از حیث دامنه جرم‌انگاری، بازدارندگی واکنش کیفی و شمول نسبت به مصادیق نوین مالکیت صنعتی، با نقدهای گسترده‌ای مواجه شد (اکبری دهنو و اکبری، ۱۳۹۲؛ حقیقت، ۱۳۹۰؛ غریبی و همکاران، ۱۴۰۱). در سطح بین‌المللی نیز موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری، به ویژه در بخش سوم، چارچوب حداقلی الزام‌آوری برای اجرای حقوق مالکیت فکری مقرر کرد و کشورها را به رعایت اصول تناسب، حداقل‌گرایی کیفی و پرهیز از ایجاد موانع غیرضروری برای تجارت مشروع فراخواند (World Trade Organization, 1994: Arts. 41-61; Reichman, 1997; Correa, 2021).

تصویب قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳ که قانون پیشین را نسخ و دامنه حمایت را به حوزه‌هایی چون اسرار تجاری و رقابت غیرمنصفانه توسعه داد، مرحله تازه‌ای در سیاست جنایی تقنینی ایران رقم زد. بررسی تحولات اخیر نشان داد که قانون جدید در عین توسعه دامنه حمایت، پیش‌بینی مسئولیت کیفی اشخاص حقوقی و تقویت ضمانت اجرای مالی، همچنان با چالش‌هایی در تعیین مرز مداخله کیفی، تعریف مفاهیم کلیدی و تضمین تناسب واکنش‌ها مواجه است (غریبی و همکاران، ۱۴۰۱؛ Correa, 2021; World Trade Organization, 2019). تحلیل این وضعیت از منظر اصول ضرورت، تناسب و حداقل‌گرایی کیفی و در پرتو استانداردهای بین‌المللی، برای ارزیابی کارآمدی نظام جدید ضروری به نظر می‌رسد.

۱. مبانی نظری مداخله کیفری در حمایت از مالکیت صنعتی

مداخله کیفری در حوزه مالکیت صنعتی، به‌عنوان شدیدترین ابزار سیاست جنایی، تنها در صورتی موجه است که رفتار ناقض علاوه بر لطمه به منافع خصوصی دارنده حق، نظم اقتصادی، سلامت عمومی، اعتماد بازار و کارکرد رقابتی را نیز در معرض آسیب جدی قرار دهد. بنابراین نقطه آغاز هر واکنش کیفری، اصل «ضرورت مداخله» است؛ اصلی که دکترین حقوق کیفری و سیاست جنایی عقلانی بر آن تأکید دارند و معتقدند جرم‌انگاری باید زمانی اعمال شود که سازوکارهای مدنی و اداری کفایت لازم را نداشته باشند (حاجی‌ده‌آبادی و عالمی طامه، ۱۳۸۸). در جرائم مرتبط با مالکیت صنعتی به‌ویژه نقض سازمان یافته علائم تجاری و توزیع انبوه کالاهای تقلبی زیان ناشی از رفتار ناقض، در سطحی فراتر از خسارت خصوصی و در قالب تهدید سلامت مصرف‌کننده، ایجاد رقابت ناسالم و تضعیف انگیزه‌های نوآوری نمود می‌یابد؛ در نتیجه توجیه مداخله کیفری در این دسته موارد تقویت می‌شود (غریبی و همکاران، ۱۴۰۱؛ WIPO, 2012).

اصل دوم، تناسب است؛ یعنی شدت واکنش کیفری باید با ماهیت، گستره و پیامدهای رفتار ناقض نسبت مستقیم داشته باشد. در حوزه مالکیت صنعتی، رعایت تناسب مستلزم تفکیک روشن میان نقض‌های کلان در مقیاس تجاری که غالباً سازمان‌یافته و با قصد تحصیل سود نامشروع بالا ارتکاب می‌یابند و نقض‌های جزئی ناشی از بی‌احتیاطی یا جهل قابل قبول است (حقیقت، ۱۳۹۰؛ WTO, 1994, Art. 41). این تفکیک برای جلوگیری از تورم کیفری، تمرکز ظرفیت نظام عدالت کیفری بر پرونده‌های مهم و پرهیز از برخوردهای سخت‌گیرانه غیرضرور با فعالیت‌های کم‌خطر ضروری است.

اصل سوم، حداقل‌گرایی کیفری است؛ به این معنا که حقوق کیفری باید آخرین حربه باشد و پیش از آن، راهکارهای مدنی و اداری مورد استفاده قرار گیرند. تجربه نظام‌های پیشرو و گزارش‌های تحلیلی سازمان جهانی مالکیت فکری نشان می‌دهد که اجرای مؤثر حقوق مالکیت فکری معمولاً از مسیر دستورهای موقت، جبران خسارت، توقیف کالاهای ناقض حق، سازوکارهای مرزی و نهادهای داوری و شبه‌قضایی پیش می‌رود و دستگاه کیفری عمدتاً در موارد نقض عمده گسترده مداخله می‌کند (Harms, 2012; WIPO, 2018). بنابراین توسل بی‌ضابطه به واکنش کیفری، نه تنها بازدارندگی لازم را ایجاد نمی‌کند بلکه می‌تواند به ابزار فشار در رقابت‌های تجاری یا ایجاد سلیقه‌گرایی قضایی بدل شود.

اصل چهارم، شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری است. جرائم مالکیت صنعتی معمولاً در بسترهای پیچیده فناورانه و تجاری رخ می‌دهند و فعالان اقتصادی باید بتوانند حدود رفتار مجاز و غیرمجاز را به وضوح درک کنند. مفاهیمی مانند «نقض»، «عمد» و خصوصاً «مقیاس تجاری»، اگر فاقد تعریف قانونی دقیق باشند، زمینه‌ساز تفسیرهای موسع و اعمال سلايق متنوع قضایی خواهند بود (غریبی و همکاران، ۱۴۰۱؛ Correa, 2021). همین ابهام سبب

می‌شود شکایت کیفری به ابزار فشار در روابط تجاری یا رقابت ناسالم تبدیل شود و نظام عدالت کیفری با پرونده‌های بی‌اهمیت انباشته گردد.

بر پایه این مبانی، سیاست جنایی تقنینی در حوزه مالکیت صنعتی باید دو پرسش بنیادین را پاسخ دهد: نخست، دامنه رفتارهایی که جرم محسوب می‌شوند چیست و چرا این رفتارها باید در قلمرو مداخله کیفری قرار گیرند؟ دوم، نوع و شدت واکنش کیفری چگونه باید طراحی شود تا از یک‌سو بازدارندگی لازم حاصل شود و از سوی دیگر با اصول ضرورت، تناسب و حداقل‌گرایی سازگار باشد؟ پاسخ به این پرسش‌ها معیار تحلیل قانون ۱۳۸۶ و قانون ۱۴۰۳ در ادامه مقاله است.

۲. تحول تقنینی از قانون ۱۳۸۶ تا قانون ۱۴۰۳ در حوزه حمایت کیفری از مالکیت صنعتی

پیش از تصویب قانون ۱۳۸۶، مقررات مربوط به مالکیت صنعتی در نظام حقوقی ایران پراکنده و محدود به قانون ثبت علائم و اختراعات ۱۳۱۰ و چند آیین‌نامه اجرایی بود، بی‌آنکه سیاست جنایی مشخصی در حوزه مقابله با نقض عمده حقوق مالکیت صنعتی ترسیم شده باشد (اکبری دهنو و اکبری، ۱۳۹۲). قانون ۱۳۸۶ نخستین تلاش جدی برای ایجاد نظام منسجم حمایت از اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری بود و ماده ۶۱ آن مهم‌ترین ابزار کیفری برای مقابله با نقض‌های عمده به شمار می‌رفت. بر اساس ماده ۶۱، نقض عمده حقوق ثبت‌شده مستوجب حبس کوتاه‌مدت و جزای نقدی بود و علاوه بر این، دادگاه می‌توانست دستور ضبط و معدوم‌سازی کالاهای ناقض حق را صادر کند. با وجود اهمیت این نوآوری، سه نقد اصلی نسبت به قانون ۱۳۸۶ مطرح شد:

نخست، محدود بودن شمول جرم‌انگاری و فقدان حمایت کیفری از حوزه‌هایی مانند اسرار تجاری و رقابت غیرمنصفانه؛ دوم، ضعف بازدارندگی مجازات‌ها در مواجهه با نقض‌های سازمان‌یافته در مقیاس تجاری؛ و سوم، عدم ارائه معیار قانونی برای تفکیک رفتارهای کم‌اهمیت از نقض‌های کلان و پرخطر (حقیقت، ۱۳۹۰؛ اکبری دهنو و اکبری، ۱۳۹۲).

این کاستی‌ها در نهایت قانون‌گذار را به سمت اصلاح قانون ۱۳۸۶ سوق داد و پس از چند سال تدوین و بررسی، قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳ تصویب شد و قانون پیشین را نسخ کرد. با توجه به مواد ۱۳۲ و ۱۴۳ قانون حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳ دامنه حمایت را بر مصادیق جدیدی مانند نمونه اشیاء مصرفی، علائم تأییدی و جمعی، اسرار تجاری و رقابت غیرمنصفانه گسترش داده و فصل مفصلی را به مقررات کیفری اختصاص داده است. افزون بر این، برای نخستین بار مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در این حوزه تثبیت شده و ایجاد مجتمع قضایی و دادرسی ویژه مالکیت فکری مقرر شده است. با وجود این نوآوری‌ها، پرسش اصلی آن است که آیا قانون ۱۴۰۳ در سطح طراحی جزئیات جرم‌انگاری و واکنش کیفری نیز با اصول ضرورت، تناسب و حداقل‌گرایی سازگار است یا خیر؛ موضوعی که در بخش بعدی به‌طور تحلیلی بررسی می‌شود.

۳. تحلیل سیاست جنایی کیفری در قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳

تحلیل فصل مقررات کیفری قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳ نشان می‌دهد که قانون‌گذار در پی آن بوده است تا ضعف‌های قانون ۱۳۸۶ را با گسترش دامنه جرم‌انگاری، طراحی مجازات‌های مالی سنگین و پیش‌بینی مسئولیت اشخاص حقوقی جبران کند، اما این تلاش در برخی موارد به ایجاد نوعی کیفرگرایی ناهمگون و فقدان شاخص‌های عینی برای مرزبندی قلمرو مداخله کیفری انجامیده است. ماده ۱۳۱ قانون حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳ هسته اصلی سیاست جنایی تقنینی جدید را تشکیل می‌دهد؛ ماده‌ای که طیف گسترده‌ای از رفتارها را از بهره‌برداری غیرمجاز از حقوق ناشی از اختراع و طرح صنعتی تا افشای اسرار تجاری و مصادیق رقابت غیرمنصفانه در زمره جرائم مالکیت صنعتی قرار داده است. قانون‌گذار در این ماده، برخلاف ماده ۶۱ قانون ۱۳۸۶، حبس را از جایگاه مجازات اصلی کنار نهاده و محور واکنش کیفری را بر جزای نقدی سنگین درجه پنج و ضبط عواید نامشروع متمرکز کرده است. این تغییر، ظاهراً با ماهیت اقتصادی جرائم مالکیت صنعتی و ضرورت ضربه زدن به بنیان مالی جرم هم‌خوان است و از جهاتی به اصول تناسب و حداقل‌گرایی نزدیک‌تر می‌شود (غریبی و همکاران، ۱۴۰۱). با این حال، اینکه قانون‌گذار بدون تعریف دقیق شدت رفتار و بدون تفکیک روشن میان نقض‌های عمده و خُرد، بخش بزرگی از مصادیق مالکیت صنعتی را به‌طور یکسان در قلمرو جرم‌انگاری وارد کرده، نشان‌دهنده فاصله‌ای جدی با فلسفه کیفری موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری^۱ است که تأکید آن بر جرم‌انگاری «نقض عمدی در مقیاس تجاری» است (WTO, 1994, Art. 61 Reichman, 1997).

چالش اصلی ماده ۱۳۱، فقدان تعریف قانونی «مقیاس تجاری» است. قانون‌گذار به‌جای ارائه شاخص‌های عینی مانند حجم توزیع، میزان سود نامشروع، دامنه جغرافیایی فعالیت یا ارتباط رفتار با شبکه‌های سازمان یافته، از واژه‌های کلی استفاده کرده است. این امر سبب می‌شود مرز میان نقض‌های کوچک با آثار محدود و رفتارهایی که توجیه‌کننده ورود حقوق کیفری هستند، در عمل بر عهده قاضی قرار گیرد و همین موضوع زمینه‌ساز ناهمگونی رویه قضایی و امکان سوءاستفاده از ابزار کیفری در رقابت‌های تجاری شود (Correa, 2021). افزون بر این، پیش‌بینی جزای نقدی معادل دو برابر خسارت در مورد نقض‌های سازمان یافته، در حالی که سازوکار مشخصی برای محاسبه خسارت به‌ویژه در بسترهای دیجیتال وجود ندارد، عملاً می‌تواند اجرای قانون را دشوار و حتی بی‌اثر سازد؛ زیرا اثبات خسارت در این حوزه‌ها مستلزم ارزیابی‌های فنی و اقتصادی پیچیده است و نبود دستورالعمل لازم‌الاجرا در این زمینه، به افزایش ابهام می‌انجامد.

در کنار مجازات‌های مالی، قانون حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳ در ماده ۱۳۱، در برخی مصادیق همچنان از حبس درجه شش استفاده کرده و ضمن آن، امکان اعمال تدابیر تکمیلی همچون شرکت در دوره‌های

1. Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights (PSTR)

آموزشی مالکیت فکری، جمع‌آوری کالاهای ناقض حق، یا همکاری در تولید محتوای پیشگیرانه را برای دادگاه فراهم ساخته است. این تدابیر تکمیلی، اگر در چارچوب روشن و بر اساس شدت رفتار اعمال شوند، می‌توانند نقطه قوت قانون باشند؛ زیرا ترکیبی از پاسخ کیفری و رویکرد آموزشی-ترمیمی را به نمایش می‌گذارند (Harms, 2012). اما نبود معیارهای مشخص برای تعیین موارد توسل به حبس و موارد قابل اکتفا به جزای نقدی و تدابیر تکمیلی، بار دیگر به سلیقه قضایی میدان می‌دهد و احتمال می‌رود در عمل، مجازات‌های سنگین برای رفتارهایی با اهمیت کم نیز اعمال شود.

گام دیگر قانون‌گذار در قانون ۱۴۰۳، گسترش مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی است. بر اساس ماده ۱۳۲، اشخاص حقوقی در صورتی که جرم موضوع قانون به نام آنان، در راستای منافعشان یا بر اساس تصمیم مدیران آن‌ها ارتکاب یابد، مسئولیت کیفری خواهند داشت و مجازات‌هایی مانند جزای نقدی سنگین، تعطیلی موقت و حتی انحلال می‌تواند علیه آن‌ها اعمال شود (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲، ماده ۲۰؛ قانون حمایت از مالکیت صنعتی، ۱۴۰۳، ماده ۱۳۲). این رویکرد، با توجه به ماهیت اقتصادی نقض‌های بزرگ و نقش مؤثر شرکت‌ها و بنگاه‌های تجاری در زنجیره توزیع کالاهای ناقض حق، اقدامی پیشرو و هماهنگ با استانداردهای سازمان جهانی مالکیت فکری^۱ و تجربه کشورهای اروپایی است (WIPO, 2018). با این حال، فقدان معیارهای تفکیک‌کننده میان اشخاص حقوقی بزرگ با قدرت سازمانی و واحدهای کوچک و متوسط، این بیم را ایجاد می‌کند که ابزار کیفری به صورت نامتوازن بر بنگاه‌های کوچک اعمال شود و هدف اصلی سیاست جنایی یعنی مقابله با نقض‌های عمده از مسیر اصلی منحرف شود.

در راستای کارآمدسازی اجرای قانون، ماده ۱۴۳ قانون ۱۴۰۳ دستور به ایجاد مجتمع قضایی و دادسرای ویژه مالکیت فکری داده و بر ضرورت تخصص قضات تأکید کرده است. این اقدام، با توجه به پیچیدگی فنی دعاوی مالکیت صنعتی و لزوم شناخت دقیق مفاهیم فناورانه، اقتصادی و رقابتی، گامی ضروری و همسو با توصیه‌های سازمان جهانی مالکیت فکری است (WIPO, 2018; Harms, 2012). با این حال، قانون در مورد سازوکار ارزیابی عملکرد این نهادها، نحوه جمع‌آوری و تحلیل داده‌های آماری و سازوکارهای هماهنگی میان نهادهای تخصصی و مراجع عمومی سکوت کرده است؛ سکوتی که می‌تواند یکی از چالش‌های عملی اجرای قانون در سال‌های آینده باشد.

در مجموع، ماده ۱۳۱ و ۱۳۲ قانون ۱۴۰۳ در عین برخورداری از نوآوری‌های قابل توجه، همچنان با دوگانگی میان گرایش به حبس‌زدایی و گسترش قلمرو جرم‌انگاری مواجه‌اند؛ دوگانگی‌ای که اگر با تعریف روشن مقیاس تجاری، تبیین معیارهای اعمال حبس و تنظیم سازوکار دقیق برآورد خسارت همراه نشود، می‌تواند به استمرار کیفرگرایی پراکنده و غیرهدفمند در حوزه مالکیت صنعتی منجر شود.

1 . World Intellectual Property Organization (WIPO)

۴. قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳ پرتو موافقت‌نامه TRIPS و الگوهای تطبیقی

بررسی سیاست جنایی تقنینی قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳ در مقایسه با موافقت‌نامه، موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری نشان می‌دهد که قانون‌گذار ایرانی درصدد بوده است مجموعه‌ای نسبتاً جامع از ابزارهای مدنی، اداری و کیفری را برای تضمین اجرای حقوق مالکیت صنعتی پیش‌بینی کند؛ اما این تلاش در سطح تعیین حدود مداخله کیفری و تعریف شاخص‌های تمایزبخش میان نقض‌های عمدی و خرد، همچنان با استانداردهای بین‌المللی فاصله دارد. موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری در بخش سوم، اصول حداقلی الزام‌آوری را برای اجرای حقوق مالکیت فکری مقرر می‌کند و از کشورها می‌خواهد که سازوکارهای مؤثر، متناسب‌محور، قابل‌پیش‌بینی و عاری از موانع غیرضروری برای تجارت مشروع برقرار سازند (WTO, 1994, Arts. 41-42). این موافقت‌نامه در عین حال بر ضرورت رعایت اصول دادرسی عادلانه، شفافیت و پرهیز از سوءاستفاده رقابتی از ابزارهای حقوقی تأکید دارد؛ امری که سبب می‌شود هرگونه جرم‌انگاری در حوزه مالکیت صنعتی، تنها به موارد جدی و عمدی محدود شود و حوزه غالب نقض‌ها در نظام مدنی و اداری باقی بماند (Correa, 2021).

در حوزه کیفری، ماده ۶۱ موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری کشورها را صرفاً ملزم به جرم‌انگاری نقض «عمدی» حقوق علامت تجاری و حق مؤلف «در مقیاس تجاری» می‌کند؛ قیدی که فلسفه آن جلوگیری از گسترش بی‌رویه ابزار کیفری و تمرکز بر مقابله با نقض‌های سازمان‌یافته و سودمحور است (WTO, Reichman, 1997; 1994, Art. 61). اما قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳، بدون ارائه تعریف عینی و محدودکننده از «مقیاس تجاری»، دامنه جرم‌انگاری را به شکل گسترده به انواع مصادیق مالکیت صنعتی از جمله اسرار تجاری، رقابت غیرمنصفانه و نمونه اشیاء مصرفی، گسترش داده است. این امر از یک سو نشانگر تلاش قانون‌گذار برای تقویت جامعیت حمایت است، اما از سوی دیگر، به دلیل فقدان معیارهای کیفی و کمی برای تشخیص سطح رفتار، خطر تعارض با اصل حداقل‌گرایی کیفری و اصول محوری موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری وجود دارد. به‌ویژه آنکه قانون‌گذار ایرانی در مواردی امکان حبس را ولو در حد درجه شش حفظ کرده است؛ حال آنکه تجربه اجرای موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری در اتحادیه اروپا و بسیاری از کشورهای آسیایی نشان می‌دهد که حبس عمدتاً برای نقض‌های عمدی و سازمان‌یافته تخصیص یافته و نقض‌های خرد یا فاقد آثار گسترده اقتصادی، صرفاً با ابزارهای مدنی و اداری پاسخ داده می‌شوند (Harms, 2012; WTO, 2019).

از منظر سازوکارهای مدنی و اداری، قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳ مصوب در مواد ۷۰، ۶۰ و ۱۴۳ در مجموع با فلسفه موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری هم‌خوانی دارد؛ زیرا ضمانت‌اجراهایی چون جبران خسارت، دستور موقت، توقیف کالا، ضبط و معدوم‌سازی و نیز تشکیل مراجع تخصصی را در زمره

ابزارهای اصلی اجرای حق قرار داده است. اما نقطه ضعف اساسی آن، عدم طراحی یک نظام تدریجی اجرای ضمانت اجراها^۱ است که در بسیاری از کشورها به عنوان شرط تحقق تناسب و کارآمدی پذیرفته شده است. در این الگو، واکنش مدنی و شبه اداری نخستین مرحله برخورد با ناقض است و تنها در صورت تحقق نقض عمدی، تکرار مستمر یا فعالیت در مقیاس تجاری، ورود به حوزه کیفری موجه شمرده می شود. نبود چنین سازوکاری در قانون ۱۴۰۳، به ویژه در نبود تعریف مقیاس تجاری، می تواند باعث شود پرونده هایی که باید در چارچوب مدنی حل و فصل شوند، به طور غیر ضروری به فرآیند کیفری وارد شوند؛ امری که برخلاف اصول سازمان تجارت جهانی^۲ مبنی بر پرهیز از مداخله بیش از حد در تجارت مشروع است (WTO, 1994, Art. 41).

از منظر تطبیقی، افزوده شدن اسرار تجاری و مصادیق رقابت غیر منصفانه به دامنه جرم انگاری قانون ۱۴۰۳، مشابه روندهایی است که در برخی کشورها مانند کره جنوبی و ژاپن در پی اصلاح قوانین صنعتی و رقابتی مشاهده شده است. با این حال، تفاوت مهم آن کشورها با قانون ایران، وجود معیارهای عینی برای تعیین شدت رفتار، تفکیک میان نقض های تجاری و نقض های مصرفی و تعیین حدود مسئولیت اشخاص حقوقی با در نظر گرفتن اندازه و ظرفیت اقتصادی بنگاه ها است (Harms, 2012; WIPO, 2018). در نتیجه، می توان گفت که قانون ۱۴۰۳ از حیث جامعیت ساختاری، به الگوهای پیشرفته نزدیک شده، اما از حیث مرزبندی کیفری و تعریف مفاهیم کلیدی، هنوز به استانداردهای عملی و دادرسی موافقت نامه جنبه های تجاری حقوق مالکیت فکری و تجربه کشورهای پیرو آن نرسیده است. جمع بندی این تحلیل نشان می دهد که قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳، هر چند گامی مهم و رو به جلو در ایجاد نظامی منسجم برای حمایت از مالکیت صنعتی است، از منظر سیاست جنایی تقنینی هنوز به سطح تعادل مطلوب میان ضمانت اجراهای مدنی و کیفری نرسیده است. گستردگی قلمرو جرم انگاری، نبود معیارهای محدود کننده مانند تعریف عینی مقیاس تجاری و امکان اعمال حبس در برخی مصادیق، موجب می شود که سیاست کیفری ایران در این حوزه، در تعارض نسبی با فلسفه حداقلی موافقت نامه جنبه های تجاری حقوق مالکیت فکری باقی بماند. این وضعیت اگر با اصلاحات آینده به ویژه در تعریف مفاهیم و طراحی سازوکارهای تدریجی ترمیم نشود، می تواند نه تنها به تورم کیفری، بلکه به بی ثباتی رویه و ایجاد ناامنی حقوقی برای فعالان اقتصادی نیز بینجامد.

نتیجه گیری

بررسی تحول سیاست جنایی تقنینی ایران در حوزه حمایت کیفری از مالکیت صنعتی نشان داد که قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳ در مقایسه با قانون ۱۳۸۶، واجد نوآوری های ساختاری و محتوایی قابل توجهی در جهت انسجام بخشی به نظام حمایتی و توسعه دامنه حقوق مورد حمایت بود. تمرکز مقررات کیفری در فصل

1. Graduated Enforcement
2. World Trade Organization (WTO)

مستقل، شمول حوزه‌هایی نظیر اسرار تجاری و رقابت غیر منصفانه و پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، بیانگر تلاش قانون‌گذار برای انطباق چارچوب حقوقی با تحولات اقتصادی و فناورانه محسوب شد (قانون حمایت از مالکیت صنعتی، ۱۴۰۳؛ غریبی و همکاران، ۱۴۰۱).

با این حال، تحلیل مقررات کیفری قانون ۱۴۰۳ نشان داد که سیاست جنایی تقنینی ایران همچنان با نوعی دوگانگی ساختاری مواجه بود؛ به‌گونه‌ای که از یک سو، گرایش به حبس‌زدایی و تقویت ضمانت اجرای مالی و تکمیلی مشاهده شد و از سوی دیگر، گستردگی قلمرو جرم‌انگاری، فقدان تعریف عینی از مفهوم «مقیاس تجاری» و حفظ امکان اعمال حبس در برخی مصادیق، زمینه استمرار کیفرگرایی نامتوازن را فراهم ساخت؛ وضعیتی که با رویکرد حداقلی و تناسب‌محور اجرای کیفری حقوق مالکیت فکری در اسناد بین‌المللی فاصله داشت (World Trade Organization, 1994, Art. 61; Reichman, 1997; Correa, 2021).

از منظر سیاست جنایی عقلانی، استمرار این وضعیت می‌توانست پیامدهایی همچون افزایش بار پرونده‌های کیفری، ناهمگونی رویه‌های قضایی و کاهش پیش‌بینی‌پذیری حقوقی برای فعالان اقتصادی را به دنبال داشته باشد. افزون بر این، نبود معیارهای روشن برای تفکیک میان نقض‌های سازمان‌یافته و رفتارهای خُرد، خطر بهره‌برداری ابزاری از فرآیند کیفری در رقابت‌های تجاری را تقویت می‌کرد و کارکرد حمایتی نظام عدالت کیفری را با چالش مواجه می‌ساخت (World Intellectual Property Organization, 2018; Harms, 2012).

نوآوری اصلی این پژوهش آن بود که تحولات کیفری قانون ۱۴۰۳ را نه صرفاً در سطح توسعه جرم‌انگاری، بلکه بر مبنای معیارهای سیاست جنایی عقلانی و الزامات اجرای حقوق مالکیت فکری ارزیابی و نقاط تعارض و امکان اصلاح را به‌صورت معیارمحور نشان داد. بر این اساس، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که ارتقای کارآمدی سیاست جنایی در حوزه مالکیت صنعتی، مستلزم بازنگری تکمیلی در مفاهیم کلیدی، طراحی نظام تدریجی واکنش‌ها و تقویت پیوند میان سازوکارهای مدنی، اداری و کیفری بود. در این چارچوب، تعریف قانونی و شاخص‌محور «مقیاس تجاری»، محدودسازی اعمال حبس به نقض‌های عمده سازمان‌یافته و سودمحور و تقویت ضمانت اجرای مدنی و اداری و نهادهای تخصصی، به‌عنوان محورهای اصلاحی ضروری تشخیص داده شد (World Intellectual Property Organization, 2019; World Trade Organization, 2019). بر همین اساس، مجموعه‌ای از پیشنهادها تقنینی و سیاستی برای ارتقای کارآمدی و هماهنگی بیشتر نظام کیفری ایران با اصول ضرورت، تناسب، حداقل‌گرایی و الزامات موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری قابل طرح است:

نخست، تعریف دقیق و عینی «مقیاس تجاری» زیرا این مفهوم، ستون فقرات سیاست کیفری در حوزه مالکیت صنعتی است و بدون تعیین شاخص‌هایی مانند حجم کالا، گستره توزیع، سود نامشروع، حرفه‌ای بودن فعالیت و

ارتباط با شبکه‌های سازمان‌یافته، قلمرو کیفری نامحدود و پیش‌بینی‌ناپذیر خواهد بود (WTO, 1994, Art 61; Correa, 2021).

دوم، حبس‌زدایی هدفمند و محدود کردن اعمال حبس به نقض‌های سازمان‌یافته، عمدی و سودمحور؛ در حالی که نقض‌های محدود، غیرحرفه‌ای یا فاقد آثار تجاری گسترده باید صرفاً با ابزارهای مدنی و اداری پاسخ داده شوند. این الگو، هم با روندهای جهانی حبس‌زدایی در جرائم اقتصادی هماهنگ است و هم با فلسفه موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری مبنی بر پرهیز از مداخله بیش‌ازحد کیفری (Reichman, 1997؛ غریبی و همکاران، ۱۴۰۱).

سوم، تقویت و اولویت دادن به سازوکارهای مدنی و شبه‌اداری مانند دستور موقت، توقیف کالا، جبران خسارت، ارائه اسناد و معدوم‌سازی کالاهای ناقض حق؛ به‌گونه‌ای که ورود به فرآیند کیفری تنها مرحله نهایی و استثنایی در واکنش به نقض تلقی شود (WIPO, 2018; Harms, 2012).

چهارم، بازتعریف عنصر معنوی در جرائم مالکیت صنعتی با تفکیک میان عمد، بی‌مبالاتی فاحش و جهل قابل قبول؛ این امر می‌تواند از سویی مانع برخورد شدید با ناقضان غیرعمدی شود و از سوی دیگر، امکان تمرکز نظام کیفری بر گروه‌های سازمان‌یافته و نقض‌های تجاری را افزایش دهد (حاجی‌ده‌آبادی و عالمی طامه، ۱۳۸۸؛ حقیقت، ۱۳۹۰).

پنجم، توسعه تخصص قضات و ضابطان در مراجع ویژه مالکیت فکری و بهره‌گیری از برنامه‌های آموزشی بین‌المللی استانداردهای سازمان جهانی مالکیت فکری^۱ و سازمان تجارت جهانی^۲، به‌ویژه در زمینه ارزیابی فنی نقض‌های صنعتی، برآورد خسارت، تشخیص تولید تقلبی و تحلیل ساختار رفتارهای سازمان‌یافته در بازار (WIPO, 2018; Harms, 2012).

ششم، طراحی نظام پایش آماری و سیاست‌گذاری مبتنی بر داده برای ثبت و تحلیل منظم پرونده‌های کیفری مالکیت صنعتی؛ تا اصلاحات آتی به جای اتکای صرف به داوری نظری، بر شواهد تجربی و کارکرد واقعی قانون استوار گردد (غریبی و همکاران، ۱۴۰۱; Correa, 2021).

درنهایت، اگرچه قانون حمایت از مالکیت صنعتی ۱۴۰۳ نقطه عطفی در تحول حقوق مالکیت صنعتی ایران است، اما آینده کارآمد آن در گرو اصلاحات تکمیلی، شفاف‌سازی مفاهیم کلیدی و توسعه سازوکارهای مدنی، اداری و تخصصی است. تنها در چنین صورتی است که سیاست جنایی تقنینی ایران می‌تواند از وضعیت دوگانه کنونی عبور کرده و به الگویی متوازن، پیش‌بینی‌پذیر و هم‌سو با استانداردهای بین‌المللی اجرای حقوق مالکیت فکری تبدیل شود.

فهرست منابع

- اکبری دهنو، مهدی و اکبری، آرزو (۱۳۹۲). «حقوق مالکیت صنعتی: تفسیری بر راهکارهای کیفری قوانین ایران». **سیاست علم و فناوری**، دوره ۶، شماره ۱.
- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی و عالمی طامه، محمد مهدی (۱۳۸۸). «جرائم علیه مالکیت فکری در قوانین کیفری ایران و مقررات بین‌المللی». **حقوق اسلامی (فقه و حقوق)**، دوره ۵، شماره ۲۰.
- حبیبیا، سمیه و معتمدی، غلامرضا (۱۳۸۵). «حمایت از دانش سنتی به‌عنوان یکی از اجزای حقوق مالکیت فکری». **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، شماره ۷۲.
- حقیقت، نسرين (۱۳۹۰). **حمایت کیفری از حقوق مالکیت فکری**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- غریبی، رضا؛ وزیر، مهدی و معصومی، جواد (۱۴۰۱). «سازوکارهای حمایت کیفری از حقوق مالکیت فکری در حقوق ایران و مصر». **مطالعات فقه اقتصادی**، دوره ۴، شماره ۳.
- موسوی، سیدرضا (۱۴۰۰). «گفتمان سیاست جنایی کرامت‌مدار در سیره امام علی (ع)». **مطالعات فقهی و حقوقی**، دوره ۱۲، شماره ۳.
- قانون حمایت از مالکیت صنعتی (۱۴۰۳). مصوب ۱ خرداد ۱۴۰۳ مجلس شورای اسلامی. روزنامه رسمی.
- قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری (۱۳۸۶). مصوب ۷ آبان ۱۳۸۶ مجلس شورای اسلامی.
- قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲). مصوب ۱ اردیبهشت ۱۳۹۲ مجلس شورای اسلامی.

Reference

- Correa, C. M. (2021), "Interpreting the Flexibilities under the TRIPS Agreement", Implementing Flexibilities under Intellectual Property Law, Springer.
- Harms, L. T. C. (2012), The Enforcement of Intellectual Property Rights: A Case Book, 3rd ed, Geneva: World Intellectual Property Organization.
- Reichman, J. H. (1997), "Enforcing the Enforcement Procedures of the TRIPS Agreement", Virginia Journal of International Law, Vol. 37.
- World Intellectual Property Organization (2018), Intellectual Property Enforcement, Geneva: WIPO.
- World Trade Organization (1994), Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPS), Marrakesh Agreement Establishing the World Trade Organization, Annex 1C, Geneva: WTO.
- World Trade Organization (2019), TRIPS Agreement – Module 8: Enforcement, Geneva: WTO.